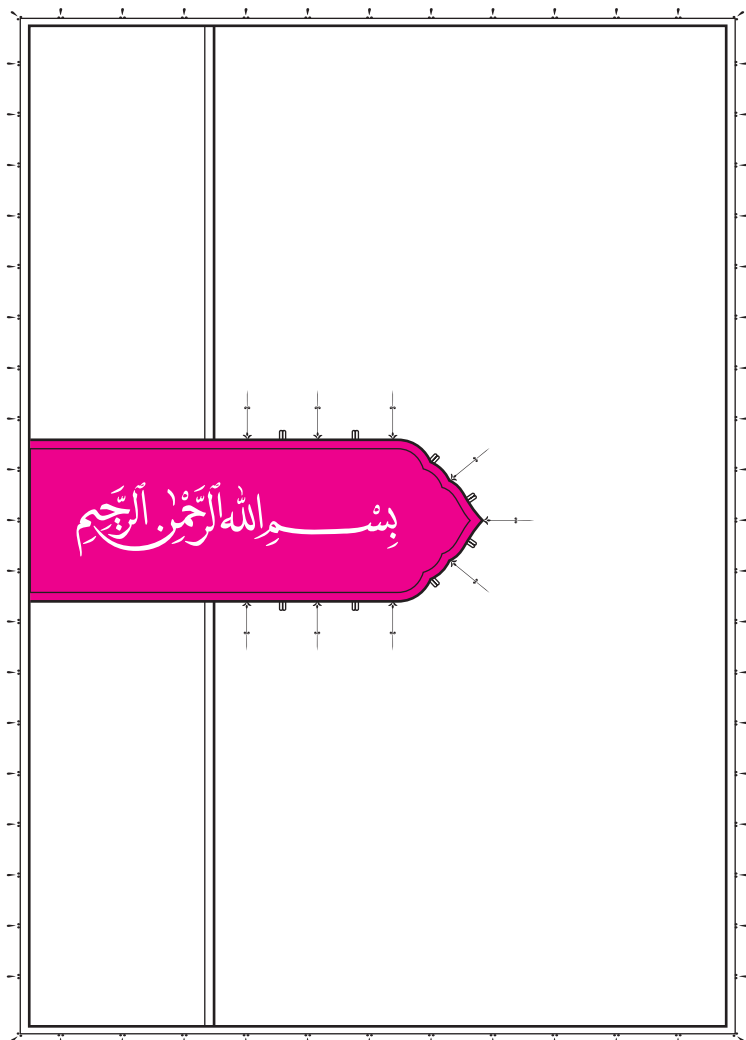


شرح تكمید  
علی حنیفہ





---

بہ یاد آموزگارِ فرهنگ و فضیلت  
دوستِ مخلصی اہل بیت علیہ السلام  
استادِ حاجِ سیدِ عزتِ خرمے زنجانی

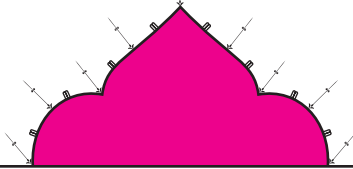
---

شرح عقیدہ

دیاج و مرانی آیہ

سرایندہ

علی حنیفہ



شرع شهید (مدایح و مرثی آیینی)

سراینده: علی حنیفه

ناشر: آرام دل

مدیر تولید: قاسم باقری

صفحه آرا: مهدی نحوی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: شمیم

صحافی: نوین

شابک: ۹۷۸-۹۷۸-۱۹۹-۴۳۶-۷



مرکز بخش

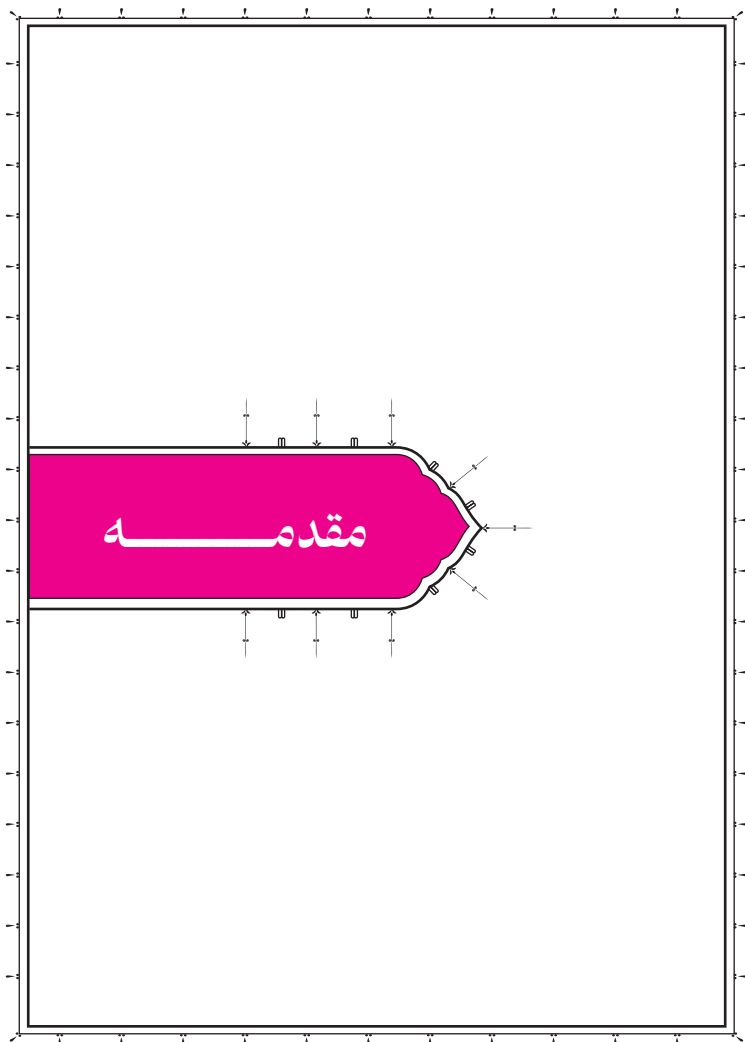
تهران: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان شهدای

ژاندارمری، پاساژ کوثر، پلاک ۷

| تلفن: ۹-۶۶۹۷۱۶۹۷-۰۲۱ |

| سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۷۷۷ |

| [www.Aramedel.ir](http://www.Aramedel.ir) |



## هو الحق

در تولد ستاره‌ها به گفته منجمان و اخترشناسان، گاهی هزاران هزار سال زمان لازم است به عبارت دیگر اگر منتظر ظهور یک ستاره هستید باید عوامل زیادی در طول زمانی بس طولانی دست در دست هم بدهند تا آن ستاره متولد بشود و بیش از ده‌ها هزار سال زندگی کند و برکات وجودی خود را به موجودات در مدار خود برساند.

این اتفاق نه تنها در اجرام آسمانی و صور فلکی بلکه به طرز شگفت‌انگیزی در تمام خلقت و در همه ابعاد آفرینش از جمله همه‌ی علوم و فنون نیز جاری و ساری می‌باشد..

این فرایند تکاملی را می‌توان در علوم انسانی، فلسفه، علوم اجتماعی، ادبیات، هنر و... نیز ردیابی کرد.

حضرت شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی چکیده‌ی هفت



قرن تلاقی و تلاش معنوی شعر و شاعری و عرفان و معرفت در ایران زمین است که در سال ۷۲۷ هجری متولد شده و در طول حیات مبارک خود تبدیل به ستاره‌ی بی‌بدیلی می‌شود که لایه‌های پنهان شعری او هنوز هم که هنوز است خیلی از حافظ‌شناسان را به اعجاب و تحسین وا می‌دارد.

در ادبیات آیینی و یا به عبارت دیگر شعر مذهبی و هیأتی نیز این اتفاق در انحای مختلف افتاده است.

برای هم نسلان بنده و کسانی که سال‌هاست در وادی هیأت و شعر نفس می‌کشند و با قله‌های عظیم این سلسله جبال آشنایی دور و نزدیکی داشته و دارند انتظار تولد ستاره‌ای پر فروغ دور از انتظار نبود.

خون دل‌هایی که در ایلات خمسه زنجان و آذربایجان توسط بزرگانی چون عاصم و منطقی و اقبالی و عینی فرد و کلامی، منزوی و انور و یحیوی و حسینی و ذهنی و صراف و.... در طول ۱۵۰ سال گذشته خورده شده، اینک تبدیل به لعلی گران بها گردیده است. و این لطفی است که حضرت اباعبدالله به دل‌های عاشق و مشتاق، عنایت فرموده است.

برادر عزیز و دوست نازنینم «علی حنیفه» همان ستاره‌ای ست که سال‌هاست آسمان شعر آیینی منتظر آن بود که اینک در زنجان طلوع کرده و در دوران پرتو افشانی خودش می‌باشد.

رگه‌های لطافت خیال و تخیل منزوی و انور، صداقت جاری در کلام اقبالی و کلامی، استحکام کلام و گستردگی واژگان بزرگان تبریز و در نهایت مفاهیم بلند عرفانی و استخوان‌بندی محکم اشعار استاد شاهی در کلام حنیفه با ارزش آفرینی‌های جدید و شگفت‌انگیزی جاری است.

این مقال، مجال پرداختن به شعر ایشان را ندارد ولی همین قدر بدانید که در مصرع به مصرع این کتاب، شما شگفت‌زده خواهید شد و انگشت تحیر از زیبایی کلام، کشف‌های جدید، تخیل بسیار خیال‌انگیز، زبان ساده ولی فاخر، اشاره‌های ظریف عرفانی، شکوه واژگان و شیوه‌ی جدید حکمرانی در عرصه شعر هیأت و آیینی به دندان خواهید گزید.

ظرفیت شاعری و شعر «علی حنیفه» چنان می‌باشد که اشعار او، هم در مجامع جدی ادبی کشور و هم در عرصه‌ی عام و هیأت‌ها از مقبولیت و جذابیت بالایی برخوردار است.

به عبارت بهتر شعر حنیفه آبشاری است که خاص و عام و هر کس به اندازه کشش ذهنی خود از آن خوشه می‌چیند و لذت می‌برد.

نیاز به آوردن شاهد مثال نیست که اگر بخواهیم شاهد مثال بیاوریم «مثنوی هفتاد من کاغذ» می‌شود.

بنده به جد معتقد هستم انتشار این کتاب در تربیت نسل جدیدی از شاعران، بسیار مؤثر خواهد بود و بسیاری از این پس با نگاهی به اشعار این کتاب و متأثر از این ولی با زبان خودشان اشعار جدید خواهند سرود.

شخصیت دوست داشتنی و بسیار شاعرانه این بزرگوار و حالات عجیب ایشان در سرودن شعر که بارها شاهد آن بوده‌ام نشان از عنایت ویژه صدیقه کبری علیها السلام به ایشان دارد.

توفیق رفاقت و حفظ اشعار این شخصیت بزرگوار و خواندن آنها در جلسات مختلف و البته این نوشتار کوتاه برای این حقیر از جمله توفیقاتی است که حضرت سید الشهداء علیه السلام به بنده حقیر لطف فرموده است.

شما را با ابیات شکوه‌مند این شاعر بزرگ عرصه‌ی مدح و

مرثیه تنها می‌گذارم.

در لذت بردن و اشک ریختن از اشعار ناب ایشان روح پدر،  
مادر و برادر شهیدشان را نیز میهمان صلواتی بر پیامبر رحمت  
و اهل بیت ایشان بفرمایید.

زنجان

سید کریم حری

اردیبهشت ۱۴۰۴

## نعت شفیع اعظم ﷺ

ای صبح امین در نفست! حضرت طاها!  
 لبخند تو تلفیقِ ادب ها و عطاها  
 ای مغفرت محض! که از برکت نامت  
 از آدم وامانده گذشتند خطاها  
 آیات شب قدر سواد سر زلفت  
 از عطر نفس های تو معطور، دعاها  
 تو کعبه ی سیّاری و هر جا که بچرخ  
 سمت تو بچرخد جهت قبله نماها  
 آن قدر که در کوچه و بازار رئوفی  
 کز سنگ به تحمید تو برخاست صداها

تو آمدی انسان پر از آیین خدا شد  
 رست آدمی از چنبره جهل خداها  
 تو آمدی از راه و به دوش غزل و صلح  
 دادی به مسلمانی آینه بهاها  
 تو آمدی و دختر و اخلاق و کبوتر  
 از گور رهیدند به آن سوی فراها  
 در باغ، درختان همه در تزکیه‌ی نفس  
 در دشت، گیاهان به تعبّد به ثناها  
 جز توجه کسی فاطمه‌ای داشت که حتی  
 نان شب خود را بدهد دست گداها  
 جز توجه کسی داشت علی، آنکه برایش  
 صحرای تفرّج شده میدان بلاها



ما دلخوش از آنیم که در پهنه‌ی عالم  
 نوکر به حسین تو بگویند به ماها

## مدیح نبی اکرم ﷺ

از هر چه آفریده فرا آفریده‌اند  
 یکریز مهربان و رها آفریده‌اند  
 پشت سر تو قریه به قریه بهار رفت  
 از بس تو را خوش آب و هوا آفریده‌اند  
 صبح و تبسم و سحر و سبحة و سلام  
 سنگ صبور، صلح و صفا آفریده‌اند  
 چون چشم غرق شور که شب چشمه می‌شود  
 چون اشک در میان دعا آفریده‌اند  
 نام معطر تو وزیدن گرفت و بعد  
 ریحان و روح و رایحه را آفریده‌اند

سرشار روشنی است تن تو گمان کنم  
خورشید در میان عبا آفریده‌اند  
فصل ربیع بود که از فضل چشم تو  
باران رُبنا و ثنا آفریده‌اند  
گل را، بهار را، غزل و عشق را، شبی  
تلفیق کرده‌اند و تو را آفریده‌اند  
تا که خدا به خویش تماشا کند تو را  
آیینہ ای برای خدا آفریده‌اند  
تا با تو گل بگوید و گل بشنود خدا  
تا گل نفس شوید، حرا آفریده‌اند



ای ناز از شکوفه‌ی گیلان جان تو  
دل نازک از دل تو، کجا آفریده‌اند؟!



## ستایش سرور مرسلین ﷺ وَاللَّهُ وَاسِعٌ

ای یرلره آبرو محمد (ص)

وی گویرلره آرزو محمد (ص)

ای شاهنشین عرشه صاحب!

انسانِ خدایِ خو محمد (ص)

ای انجمن سماویاندا!

اوصافیوه گفتگو محمد (ص)

باغاتِ جنانِ اولار سراسر

دوتسان قوری دشته، رو محمد (ص)

لطفوندن اولار، نسیم جانبخش

طوفان ستیزه جو، محمد (ص)

اخلاق، طهوری لبلرونده  
 جاریدی سبو سبو، محمد (ص)  
 معبرده سنون تفضلوندان  
 داشلار اولی مشکبو، محمد (ص)  
 آندینداکی خط، خطوط قرآن  
 آیینهی ذات هو محمد (ص)  
 حیراندی سنه عقول و ادراک  
 لولاک لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَک  
 ای ناصیه سی سحر، سحردهن  
 وی ماه یوزی قمر، قمردهن  
 لبلرده سوزون غسل، غسلدن  
 آغزیمدا آدین شکر، شکردهن  
 گون، گوزلرن اولماسا مسلمان  
 حتماً یوخودی خبر، خبردن  
 اعمای عصا به دستّه اوخشار  
 سالسان گونی بیر نظر، نظردهن

سن سیرہ چیخاندا، سید الکون!  
 ائتسن گذرا گذر، گذردن  
 تا ماہ ئوزون زیارت ائتسون  
 سہم اخذ ائلیر نفر، نفرن  
 ہم سبقت آلاز ملک، ملکدن  
 ہم سبقت آلاز بشر، بشردن  
 ذاتون ائلہ ذاتِ ذاتِ حقدی  
 هئچ فرق ائلمز گہر، گہردن  
 ای ماہ ربیع من، جمالون!  
 شاعر ائلین منی خیالون  
 ناز نگہون داشی زر ایلر  
 مُفلس عربی ابوذر ایلر  
 عماری، حضیض بردہ گیدن  
 اہل ملکوتہ سرور ایلر  
 قارہ گون ایچندہ کی بلالی  
 گویلردہ گونه برابر ایلر

محراب جهانپاندی قاشون  
 حتّی اونا سجده کافر ایلر  
 بیر خیردا تبسمون، وحوشی  
 معصوم تر از کبوتر ایلر  
 سجّاده وین عطری نیمه شب  
 عرشین نفسین معطر ایلر  
 قوسین قاشیندا لحظه لحظه  
 معراج، جناب حیدر ایلر  
 معراج ائلین قاشیندا حیدر  
 اسلامیه فتح خیبر ایلر  
 عشقون یره نوزنده قیس پرور  
 بوی نفسون اویس پرور  
 ای فرش نشین آسمانی  
 وی ظّل سعادتون جهانی  
 ای ذره به ذره سی محبت  
 وی باشند ایاقه مهربانی